



International Journal of Advanced Academic Studies

E-ISSN: 2706-8927
 P-ISSN: 2706-8919
www.allstudyjournal.com
 IJAAS 2020; 2(4): 516-524
 Received: 12-10-2020
 Accepted: 21-11-2020

تخطی و استفاده نادرست از حق در حوزه خانواده از دیدگاه اسلام

پوهنمل صدیق الله کریمی

پوهنمل صدیق الله
کریمی

ممبر شعبه اسلامی سائنس
و ثقافت، فیکلٹی آف
ایجوکیشن، سمنگان
بائر ایجوکیشن انسٹی
ٹیوٹ، افغانستان

خلاصه

در این مقاله سعی نموده ام تا اولاً واژه استفاده نادرست و سوء استفاده از حق را از نظر لغوی و اصطلاحی مفهوم شناسی نموده، سپس بپردازم به بیان موارد و مصادیق آن و هم چنان کوشش نموده ام تا فرق بین این واژه را با تعدی و تجاوز از نظرفه‌های کرام شرح و توضیح دهم؛ از این که موضوع سوء استفاده از حق در شریعت اسلامی و قوانین وضعی خیلی وسیع و گسترده بوده و دامنه ای بحث آن از حوصله این مقاله بالاتر می باشد، خواستم تا موارد و مصادیق آن را تنها در حوزه خانواده به بحث و بررسی بگیرم، در حوزه خانواده هم موارد آن زیاد بوده که تنها چهار مورد آن در این مقاله به بحث گرفته شده است که عبارت اند از:

الف: سوء استفاده از حق طلاق

ب: سوء استفاده از حق شیردادن و نفقه

ج: سوء استفاده از حق تعدد ازواج

د: سوء استفاده از حق وصیت.

در این مقاله بگونه‌ی مدلل به اثبات رسانده شده که هر یک از آنها در شریعت اسلامی و قوانین وضعی حرام، ناجایز و غیر قانونی بوده که هر مسلمان باید از آن‌ها دست بردارده و مراجع شرعی و قانونی باید در زمینه جلوگیری از آنها اقدام لازم نمایند.

کلید واژه ها: تخطی و استفاده نادرست، تعدی، حق، اطلاق حق، تقید حق، وصیت و تعدد ازواج.

مقدمه

نحمده و نصلی علی رسوله الکریم. وبعد: خداوند متعال انسان را اشرف مخلوقات آفرید و همچنان بمنظور تشکیل و ساختار جامعه انسانی او را یک موجود اجتماعی عیار به تمام فعالیت های اجتماعی خلق نمود؛ ولی نسبت اینکه هیچ انسانی از بدو خلقت متمصف به اوصاف کمال نبوده؛ بلکه صرفاً بالقوه به این اوصاف متمصف میباشد، ناگزیر در زندگی اجتماعی به یک سلسله قوانین و مقررات عملی و کاربردی نیاز است تا انسان بتواند در پرتوی آنها تکالیف و مسؤولیت های انسانی، ایمانی، اجتماعی و... خود را درک نموده و هم چنان از حقوق و امتیازات مادی و معنوی خویش بهره ببرد؛ لذا خداوند (ج) به منظور بهتر زندگی کردن انسان در روی زمین، بهترین قوانین زندگی را که

تضمین کننده مصالح وی میباشد، مشروع گردانیده و او را درین زمینه جانشین خویش قرار داده و تاج خلافت زمین را بر سر او پوشانید.

پس تا زمانی که انسان در نحوه زندگی خویش از دستورات و رهنمودهای خالق متعال پیروی نماید، یقیناً میتواند مقام شامخ و منزلت والای انسانی را احراز نموده و سعادت دارین را کسب نماید؛ اما با تأسف فراوان که برخی از انسان‌ها ازین حقوق شرعی و قانونی خود استفاده نادرست و بیجا نموده، با پخش و نشر از این قبیل ناهنجاری ها و ناهمواریها فضای جامعه و خانواده را تیره ساخته و حقوق حقه‌ی دیگران را نادیده میگیرند؛ لذا در شریعت اسلامی هر حق که برای انسان در نظر گرفته شده محدود و چارچوب معینی نیز برای آن در نظر گرفته شده است؛ تا هیچ کس نتواند از دایره‌ی حق خویش خارج شده و دیگران را متضرر سازد؛ اما بادرین که به حکم (وقلیل من عبادی الشکور) اکثریت قاطع انسانها از جاده شریعت و قانون پا فراتر نهاده و بعضاً از حق مشروعی که تامین کننده نیازهای مادی و معنوی انسان در راستای تحقق مصالح زندگی وی میباشد، استفاده نادرست نموده و در تعارض با مصالح و مقاصد شرع قرار میگیرند که بعضاً این نوع تخطی ها در قالب سوء

Corresponding Author:

پوهنمل صدیق الله
کریمی

ممبر شعبه اسلامی سائنس
و ثقافت، فیکلٹی آف
ایجوکیشن، سمنگان
بائر ایجوکیشن انسٹی
ٹیوٹ، افغانستان

استفاده از حق صورت میگیرد.

اهمیت موضوع: بحث مطروحه ذیل از اهمیت فوق العاده برخوردار است، مخصوصاً اهمیت این موضوع زمانی آشکار میگردد که بدانیم اکثریت مطلق موارد سوء استفاده از حق در حوزه خانواده صورت میگیرد و گسترش روز افزون این امر سبب می شود تا پایه های خانواده که یک کانون گرم انسان سازی است، به سرعت متزلزل شده و مواجه به سقوط گردد؛ لذا قطع نظرا اینکه این واژه از کدام مقوله کم یا کیف فقهی بوده و چه صبغه خانوادگی داشته و تکلیف فقهی آن چیست؟ در ذات خود یک موضوع جدید قابل بحث است؛ زیرا روال و طرز نگرش قرآن کریم به قضایای شرعی بگونه ای است که هرگاه یک موضوع از اهمیت ویژه ای برخوردار باشد، قرآن کریم بگونه ای مکرر و تفصیلی پیرامون آن تماس گرفته و تمام جزئیات آن را بازگو میکند که در ردیف این نوع مسایل بلکه در سطح آنها با این نوع نگاه قرآنی موضوع خانواده قرار دارد؛ ولی باید خاطر نشان ساخت که حوزه مطالعه سوء استفاده از حق خیلی وسیع و گسترده بوده که در حد یک مقاله و دو مقاله نمیتوان از عهدہ تحقیق و پژوهش آن بخوبی برآمد، لذا خواستم فقط یک گوشه ای اندک آن را تحت غور و بررسی علمی قرار دهم که همانا تخطی و استفاده نادرست (سوء استفاده) از حق در حوزه خانواده می باشد.

اسباب اختیار موضوع:

1- موضوع سوء استفاده از حق در ابواب مختلف قابل بحث است به ویژه در حوزه خانواده که در شرایط امروزی دامنه ای آسیب بینی های این کانون گرم انسان سازی وسیع و گسترده شده و در حال گسترده شدن است، اشد نیازمندی به تحقیق و پژوهش علمی و اکادمیک پیرامون آن برده میشود.

2- ضرورت دیگری که بنده را وادار به بحث و فحص بیشتر در این موضوع نموده و یکی از بواعث مهم و اسباب موجهه به این تحقیق تلقی میشود، این است که در بسیاری از اوقات این نوع تصرفات نادرست و استفاده های نامیمون و در عین زمان در تضاد با مصالح شرع شریف، بنام و از آدرس دین صورت میگیرد که شدیداً شریعت اسلامی را خدشه دار نموده و سبب می شود تا انسان های مغرضی در ظاهر عالم و در واقع جاهل، برجسپ های نادرستی را بر شریعت اسلامی وارد کنند.

3- انگیزه مهمی که بنده را واداشت تا این موضوع را زیر عینک تحقیق قرار داده و خبایا و زوایای آن را بگونه ای مدلل به توضیح و تحقیق بگیرم، عدم موجودیت یک تحقیق علمی پیرامون این موضوع به زبان های ملی بود.

پیشینه ی تحقیق:

از این که در فقه اسلامی دانشمندان جهان اسلام به اندازه ی خدمات ارزنده و ماندگاری را انجام داده و به جامعه اسلامی تقدیم نموده اند که هیچ گاهی انسان ادعا کرده نمی تواند که موضوع زیر بحث اش کاملاً از نظر تحقیق دست ناخورده باشد، لذا گفته

می توانیم که نفس سوء استفاده از حق، بارها توسط دانشمندان علوم اسلامی تحقیق و بررسی علمی شده است، ولی سوء استفاده از حق در حوزه خانواده به صورت منظم طوری که در این مقاله مقال و معقول شده است به ویژه در زبان ملی تا هنوز مورد بحث قرار نگرفته است. بلی در زبان عربی نوشته ها و مقالات به صورت غیر منظم پیرامون برخی از موضوعات خانواده نگاشته شده است که بنده هم در برخی موارد از آن ها استفاد نموده است.

هدف تحقیق:

1- بیان مفهوم سوء استفاده از حق در حوزه خانواده و تشخیص موارد آن به منظور جلوگیری از پیشرفت روز افزون آن.

2- بیان فرق بین برخی موارد تعدی با سوء استفاده از حق در حوزه خانواده

سوالات اصلی تحقیق:

1- آیا انسان در نحوه استفاده از حق خویش آزادی مطلق دارد و یا خیر؟

2- آیا سوء استفاده از حق با تعدی فرق دارد و یا خیر؟

3- آیا ممکن است جای که حقی در میان نباشد، سوء استفاده از حق تحقق پیدا کند؟

سوالات فرعی تحقیق:

1- آیا در استفاده از حق اگر آسیب غیر عمدی به کسی وارد شود، میتوان آنرا سوء استفاده از حق نامید؟

2- آیا در استفاده ی هرگونه حقی انسان مکلف است تا ضررش به کسی وارد نشود و یا کدام معیار خاصی وجود دارد؟

3- آیا مردی میتواند و حق دارد با استفاده از حق طلاق، تعدد ازواج، وصیت و... به زنی و یا کسی دیگری ضرری را وارد کند؟

روش تحقیق:

روش استفاده شده درین مقاله با آنکه مجال تحقیق میدانی هم وجود داشت، بیشتر کتابخانه ی است و در استفاده از آیات قرآن کریم از مصحف مدینه و در ترجمه آیات از ترجمه خرم دل استفاده شده و در جای که استناد به احادیث مبارکه صورت گرفته، کوشش شده تا درجه صحت و سقم آن بیان شده و تخریح گردد. و همچنان سعی شده تا موضوع را از بعد قانونی هم در روشنایی قوانین نافذ کشور به بررسی گرفته شود.

تعریف سوء استفاده از حق

سوء استفاده از حق در زبان عربی بنام التعسف فی الحق یاد میشود، ولی باید عرض نمود که این یک اصطلاح جدید در بین علمای قانون وضعی است که در بین علمای فقه اسلامی در سابق مروج نبوده، ولی هیچگاهی این به این معنی نیست که در فقه اسلامی محتوی چنین اصطلاحی وجود نداشته باشد؛ بلکه در قرآن کریم، سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم، فقه صحابه کرام و نظریات فقهای اسلامی چنانچه بعداً معلوم خواهد شد، اشارات و حتی تصریحاتی وجود دارد که این موضوع را بازگو میکند. برخی از دانشمندان اسلامی این موضوع را بشکل عام در ذیل تعدی و برخی دیگری از آنان در باب ضمان

آن را به بحث و بررسی گرفته اند؛ اما حقیقت اینست که سوء استفاده از حق چنانچه در خلال این بحث واضح خواهد شد، عین معنای تعدی را افاده نمیکند؛ بلکه فرقه‌های عمده‌ی بین این دو اصطلاح وجود دارد که بعداً به توضیح و تبیین هریک میپردازیم. و شاید به نسبت اینکه یکی از آثار مرتب بر سوء استفاده از حق، جبران خساره و ضمانت می باشد، طرداً للباب، در باب ضمانات مورد مطالعه قرار گرفته باشد؛ لذا دانشمندان و علمای معاصر آن را بصورت مستقل تحت عنوان (نظریه التعسف) غور و بررسی قرار داده اند. به هر صورت در ابتدا لازم است تا قبل از پرداختن به مباحث و احکام این موضوع، به حکم (الحکم علی الشی فرع عن تصویره) سوء استفاده از حق را در اصطلاح تعریف نماییم. برخی از دانشمندان اسلامی در تعریف آن گفته اند: "مناقضه قصد الشارع فی تصرف ماذون فیه شرعاً بحسب الاصل." (7: 54).

سوء استفاده از حق عبارت از اینست که دریک تصرفی که دراصل و اساس اش مشروع بوده؛ اما نسبت بکارگیری نادرست و غیرقانونی آن با مقصد شارع که همانا مصلحت عباد است در تناقض واقع شود.

توضیح تعریف: تناقض با مقصد شارع - با توجه به اینکه در ماورای هر حکم شرعی جلب مصالح و دفع مفاسدی نهفته است، هر نوع تناقض با این هدف بزرگ خلاف شرع و غیرقانونی تلقی شده و باطل می باشد. چنانچه امام شاطبی رحمه الله درین مورد میفرماید: کل من ابتغی فی تکالیف الشریعة غیر ما شرعت له؛ فقد ناقض الشریعة، و [کل] ما ناقضها؛ فعمله فی المناقضة باطل، فمن ابتغی فی التکالیف ما لم تشرع له؛ فعمله باطل.

أما أن العمل المناقض باطل؛ فظاهر، فإن المشروعات إنما وضعت لتحصیل المصالح ودرء المفاسد، فإذا خولفت لم یکن فی تلك الأفعال التي خولفت بها جلب مصلحة ولا درء مفسدة. (14: 28).

یعنی هر که در تکالیف شرعی غیر آنچه را که شارع حکیم قصد دارد، طلب کند در حقیقت به شریعت خلاف ورزی نموده و آن را نقض نموده است؛ اما اینکه امر مخالف شرع باطل است، یک حقیقت آشکار است؛ زیرا شریعت اسلامی بمنظور دفع مفاسد و جلب منافع انسانها آمده است، پس هرگاه اعمال و کردار انسان برخلاف مصالح شرعی انجام شود، آنجا نه دفع مفسده‌ی وجود دارد و نه جلب منفعتی.

برابراست این تناقض عمدی و قصدی باشد بگونه‌ی که شخص به ظاهراً استفاده از بکار بردن حق خویش، از بین بردن مصلحت شرعی را در نیت خود مضمرداشته باشد. به عبارت دیگر هرگاه شخصی استعمال حق شرعی و قانونی را به منظور حرام قرار دادن یا حلال گردانیدن شی یا زیان رساندن به کسی یا اسقاط آنچه به ذمه اش واجب است، ذریعه و وسیله بگرداند، سوء استفاده از حق به وجود می آید، به طور مثال بیع مال توسط مالک یک امر مشروع و حق شرعی و قانونی مالک است؛ اما اگر استعمال این حق را وسیله برای سود قرار داده و آن را بنام و صورت بیع عینه انجام دهد، یقیناً مصداق سوء استفاده از حق قرار گرفته و نظریه صراحت حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم در تحت ربوا داخل میشود. و با اینکه شخصی که زکات به ذمه اش فرض گردیده،

در ختم سال به بهانه‌ی هبه مال مورد زکات را بشکل حیل به کسی هبه نموده و بخواهد این فرض را اذمه خویش ساقط گرداند. با وجودیکه هبه کردن مال توسط مالک یک امر شرعی و حق مسلم وی است؛ اما نیت سوء آن را حرام میگرداند. این گونه افعال چه بمنظور ضرر رساندن به دیگری باشد یا احقاق مصلحت غیر مشروع باشد یا جزءت هدفی دیگری در قبال نداشته باشد و یا هم منفعت جزئی و اندکی مقصود بوده و در عین زمان ضرری بزرگی به دیگری عاید گردد، همگی حرام بوده و از موارد سوء استفاده از حق می باشد.

و اگر این تناقض عمدی نباشد؛ بلکه مخالف اصل عمومی معتبر در شریعت اسلامی باشد، بدون آنکه قصد عمل ضار را داشته باشد، باز هم نادرست بوده و از موارد سوء استفاده از حق بشمار میرود. طور مثال شخصی عملی را انجام دهد که به ظاهر مباح و مشروع بوده؛ اما نظریه نا سازگاری با شرایط زمان مخالف مصالح عمومی قرار گیرد؛ زیرا تمام احکام شریعت اسلامی بر مبنای درء مفاسد و جلب منافع وضع و مشروع گردیده است.

تصرف ماذون فیه: تصرف ماذون در شرع گاهی بصورت ایجابی میباشد و گاهی هم بصورت سلبی و هریک میتواند قولی باشد و یا فعلی مثال تصرف شرعی ایجابی قولی مانند فروختن اسلحه در وقت فتنه و بیع حاضر برای بادی که موجب ضرر عامه شود، هریک از موارد سوء استفاده از حق شمرده میشود، در هر دو مثال نفس فروختن اسلحه و امتعه تجارتي حق شخص بوده و یک امر مجازمی باشد؛ اما به نسبت ضرر وارده به جامعه ممنوع قرار گرفته است. مثال تصرف شرعی سلبی مانند امتناع تاجرا عرضه نمودن مواد خوراکی در وقت ضرورت و احتکار کردن آن که نفس نگهداری و ذخیره کردن مال حق مسلم مالک است؛ اما به نسبت متضرر شدن جامعه این نوع تصرف نوعاً سوء استفاده از حق بوده و حرام می باشد. اما مثال تصرف ایجابی فعلی مانند استعمال شخص زمین خود را به مقصد ضرر رساندن به همسایه که درین صورت استفاده از زمین برای مالک، کار مشروع و قانونی است؛ اما نیت اضرار به غیر آن را حرام میگرداند. مثال تصرف شرعی سلبی فعلی مانند امتناع مالک از منهدم کردن دیواری که مایل به افتیدن بوده و مردم شهادت داده باشند که اگر منهدم نگردد، سبب هلاکت شخص یا حیوانی میگردد، که درین صورت هم نفس امتناع از منهدم کردن دیوار حق مالک است؛ اما آنچه او را غیر مجاز گردانده، خطر جان و مال عامه است لذا این امتناع هم از جمله سوء استفاده از حق بشمار میرود. (7: 91).

در واقع سوء استفاده از حق همان حیل و تحایل باطل است. چنانچه امام شاطبی رحمه الله همین تحایل را در عین معنای سوء استفاده از حق بنام تصرف غیر صحیح تعبیر میکند. چنانچه میفرماید: ما ثبت أن الأحكام شرعت لمصالح العباد كانت الأعمال معتبرة بذلك؛ لأنه مقصود الشارع فيها كما تبين، فإذا كان الأمر في ظاهره وباطنه على أصل المشروعية؛ فلا إشكال، وإن كان الظاهر موافقاً والمصلحة مخالفة؛ فالفعل غير صحيح وغير مشروع؛ لأن الأعمال الشرعية ليست مقصودة [لأنفسها] (2: 120).

آنچه از گذشته ثابت می‌شود اینست که احکام شرعی برای مصلحت بندگان مشروع شده است. و اعمال بندگان هم به اساس همین مصلحت مدارا اعتبار قرار گرفته است. پس هرگاه کاری در ظاهر و باطنش بروفق مصلحت صورت گیرد اشکالی ندارد؛ اما اگر در ظاهر موافق و در باطن مخالف مصلحت باشد، چنین عملی نادرست و غیرمشموع می باشد؛ زیرا اعمال شرعی مقصود لذاته نیست.

معيار سوء استفاده از حق

با توجه به آنچه در توضیح و شرح تعریف فوق بیان کردیم، گفته می‌توانیم که برای سوء استفاده از حق دو معیار اساسی قرار ذیل وجود دارد.

1- معیار ذاتی: و آن عبارت از انجام کاری توأم با نیت اضرار به غیر که از آن به تناقض عمدی تعبیر کردیم.

2- معیار موضوعی: و آن اینست که در انجام عملی نیت وقصدی سوء در میان نبوده ولی با مصالح شرع تضاد داشته باشد.

اکنون به حیث مدخل مناسب در مبحث سوء استفاده از حق، لازم است تا به طرح سوالی پرداخته شود که اصل چیستی سوء استفاده از حق را مطرح می‌کند. و آن سوال اینست که آیا انسان در استعمال حق خویش بصورت مطلق آزادی دارد و یا درین زمینه قیوداتی هم وجود دارد؟ به عبارته دیگر آیا حق مطلق است و یا مقید؟ قبل از پرداختن به پاسخ اصلی این سوال باید محدوده و دایره استفاده از حق را به بررسی بگیریم.

دایره اطلاق حق: قابل ذکر است که هم از نظر شریعت اسلامی و هم در قوانین وضعی کشور، از جمله قانون اساسی و قانون مدنی، هر انسان در استفاده و بهره گیری از مال خویش آزاد بوده، هیچ قانونی و هیچ دستگاهی نمیتواند حق او را طرد کند؛ لذا گفته می‌توانیم که اصل پذیرفته شده در فقه اسلامی این است که جز در موارد استثنایی حق مطلق است و کسی در اجرای حق خود مسؤول شمرده نمیشود؛ اما این حمایت شرعی و قانونی در حدی است که در نحوه استفاده از حق ضرروزیانی به دیگری وارد نشده و استفاده در حد معمول آن باشد، در غیر آن حق مقید است نه مطلق. (4: 303). درین مورد در فقه اسلامی قاعده عام و کلی وجود دارد که ادعای فوق را به اثبات میرساند. چنانچه در مجله الاحکام العدلیة و شرح آن آمده است: "الجواز الشرعی ینافی الضمان مثال: لو حفر إنسان فی ملکة بئرا فوقع فیہ حیوان رجل و هلك لا یضمن حافر البئر شیئا؛ لأن تصرف المرء بملکة غیر مقید بشرط السلامة" (10: 92).

اجازه قانون (شرع) با ضمان منافات دارد. مثلاً اگر انسانی در ملک خود چاهی حفر کند و حیوانی کسی در آن بیفتند و بمیرد حفرکننده چاه ضامن چیزی نیست؛ زیرا تصرف انسان در ملکیتش مقید به شرط سلامت نمی باشد.

امام ابن حزم (رحمه الله) در پیروی از نظریه اطلاق حق در ذیل حدیث "لا ضرر ولا ضرار" گفته است: "ولا ضرر أعظم من أن یمنع المرء من التصرف فی مال نفسه مراعاة لנفع غیره فهذا هو الضرر حقا". (2: 85). هیچ ضرری

بزرگتر ازین نیست که انسانی برای مراعات منفعت دیگری از تصرف در مالش ممنوع شود. در تحقیقی همین است.

دکتور وهبه زحیلی در مورد چگونگی اطلاق حق بعد از تحلیل و بررسی همه جانبه، خلاصه تمام مذاهب اهل سنت را چنین نقل می‌کند: والخلاصة: أن الاتجاه الأقوی فی الفقه الإسلامي یجیز للمالك أن یتصرف فی ملكه بما لا یضر فیہ علی الجار، أما ما بان ضرره الفاحش، أو أشکل فیہ الحال، فإنه ممنوع. (9: 4682). و خلاصه اینکه دیدگاه قویتر در فقه اسلامی اینست که برای مالک جواز دارد تا در ملکیت خود بگونه ی تصرف نماید که برای همسایه اش ضرر وارد نشود و هرگاه ضرر فاحش در صد وقوع باشد و یا هم شک در وقوع آن باشد پس چنین تصرف ممنوع است.

در قانون مدنی افغانستان راجع به حمایت قانونی حق و ملکیت چنین تصریح میدارد: ملکیت هیچ شخص از دست او کشیده شده نمی تواند مگر به موجب قانون. (8: ماده 1093) باید تذکر داد که در قانون مدنی افغانستان نظریه اطلاق حق مورد پذیرش قرار نگرفته است؛ بلکه درین زمینه قیوداتی را وضع نموده است که در حقیقت همان استثنای نظریه اطلاق حق می باشد. چنانچه در باب قیودات ملکیت چنین آمده است: مالک میتواند در ملکیت خود در حدود قانون تصرف نماید. (8: ماده 1904). در ماده دیگری چنین آمده است: هرگاه بملک حق غیر تعلق بگیرد، مالک نمیتواند در آن طوری تصرف نماید که موجب ضرر غیر گردد. مگر به اجازه صاحب حق. (8: ماده 1905).

فرق بین تعدی و سوء استفاده از حق: با آنکه سوء استفاده از حق و تعدی در نفس حرمت و غیر قانونی بودن با هم مشترک اند؛ ولی از لحاظ ماهیت و معنی بین آنها یک سلسله فرق های وجود دارد که ذیلاً بیان میگردد.

1- تعدی بر اساس یک عملی صورت میگرد که در اصل و اساسش حرام باشد، در حالیکه سوء استفاده از حق در جای واقع میشود که یک عمل در اصل مجاز بوده؛ اما انحراف از مقصد شرع و نیت ضرر رساندن به غیر آنرا حرام گردانیده است، در کل میتوان گفت که تعدی بر محور امر غیر مجاز میچرخد؛ در حالیکه مجال سوء استفاده از حق امر مآذون فیہ در شرع بوده و فقط انحراف از نحوه درست استعمال و استفاده از حق آن را غیرمشموع میسازد.

2- تعدی بصورت مطلق با تمام مصادقش حرام و ناجایز است؛ در حالیکه سوء استفاده از حق در برخی موارد نسبت داشتن حسن نیت و یا سوء آن در بین علما و دانشمندان مورد اختلاف قرار گرفته است.

موارد سوء استفاده از حق در حوزه خانواده

گرچه بیشترین مصادق سوء استفاده از حق در حقوق جوار و همسایگی و حقوق عینی به مشاهده میرسد؛ اما موارد زیادی را در حوزه خانواده نیز میتوان به اثبات رساند که از مصادق سوء استفاده از حق بشمار میروند. به طور مثال چند مورد مهم آن را درین مقاله به بررسی میگیریم.

1- سوء استفاده از حق طلاق: شریعت اسلامی به اساس یک سلسله حکمت ها و مصلحت های شرعی که

جای تفصیل آن نیست، حق طلاق را برای مردان داده است، و در هیچ صورت به جز موارد تفویض طلاق، حق طلاق بگونه ی مستقل برای زنان داده نشده است؛ لذا تنها مردان میتوانند در صورت ضرورت با آنکه طلاق از جمله ابغض مباحت است ازین حق استفاده نموده و فضای خانواده را از نزاع های غیرقابل اصلاح و روحیه ناسازگاری نجات دهند؛ اما به هیچ صورت داشتن این حق به این معنی نیست که مردان این حق شرعی را وسیله ضرررسانی به زنان قرارده و بالای آنها تا آخرین رمق حیات ظلم نمایند؛ لذا شریعت اسلامی حق طلاق را برای مردان به عنوان آخرین راه حل بُن بست خانوادگی، مشروط به ضرورت و تحقق مصلحت جانبین اعطا کرده است نه بصورت مطلق. چنانچه در زمان جاهلیت مردم با استفاده از همین حق بالای زنان بگونه ی شرم آور ظلم میکردند که خداوند متعال این راه ظلم و ستم خانوادگی را برای همیشه مسدود ساخته و دست ظالمین را قطع نمود. چنانچه میفرماید: {وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضَرَارًا لْتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا } : {1: بقره: 231}

ترجمه: و هنگامی که زنان را طلاق دادید ، و به (آخرین روزهای) عده خود رسیدند ، یا به طرز صحیح و عادلانه ای آنان را نگاه دارید (و با ایشان آشتی کنید) یا آنان را به طرز پسندیده و دادگرانه ای رها سازید ، و به خاطر زیان رسانیدن بدیشان و تعدی کردن بر ایشان ، هیچ گاه (با آنان آشتی نکنید و) ایشان را نگاه ندارید ، و کسی که چنین کند ، بی گمان به خویشتن ستم کرده است ، و (با این گونه اعمال و سوء استفاده کردن از قوانین) آیه های (احکام و حدود) خدا را به باد استهزاء نگیرید .

شان نزول آیه: ابن جریر طبری رحمه الله در تفسیر این آیت مینویسد: در زمان جاهلیت عادت بر این بود که مردی خانم خود را طلاق میکرد و سپس با او بدون کدام میل و رغبتی رجوع میکرد و باز طلاق میکرد باز قبل از سپری شدن عت رجوع میکرد و درین کار جز تطویل عت و اضار به زوجه هدفی دیگری نداشت و به این ترتیب زنها مورد ظلم قرار میگرفتند، پس خداوند ج این آیت را نازل کرد. (11: 8) .

وجه دلالت: ازین آیت مبارکه دانسته میشود که هنگامیکه طلاق رجعی صورت گیرد، مرد حق دارد و میتواند در جریان عت با حسن نیت و به منظور ادامه حیات زوجی با خانم خود رجوع کند و یا با طریقه نیکو او را یکسره رها کند و این یک حق مسلم و مشروعی مختص به مرد است که حتی اعلام و اخبار زوجه به رجوع از جانب زوج یک امر استحبابی است نه الزامی. چنانچه در محیط البرهانی آمده است: فکان الزوج بالرجعة متمصفاً من خالص حقه، وتصرف الإنسان فی خالص حقه لا يتوقف علی علم الغير، ولكن استحب الإعلام کیلا تقع فی المعصية، فإنها ربما تتزوج إذا انقضت عدها بناءً علی زعمها فتقع فی المعصية. (3: 423) .

پس شوهر با قصد رجوع به همسر خویش در حقیقت تصرف کننده در حق مشروع و خالص خود است

و تصرف انسان در حق خالص خود موقوف به دانستن غیر نمی باشد؛ لکن با آن هم اخبار از جانب زوج مستحب است تا زن در معصیت واقع نشود؛ زیرا گاهی زن به فکراینکه شاید طلاق شده و از ملکیت شوهر اول برآمده است، با کسی دیگری ازواج کند.

در بدایع الصنایع چنین آمده است: " لأن الحرمة ثمة لحق الزوج خاصة فيملك إبطال حق نفسه بالإذن بالخروج" (12: 205) . زیرا حرمت در آن جا بخاطر حق خالص زوج است و اومیتواند با منصرف شدن از حق خود زوجه را اجازه به خروج دهد. از مجموع عبارات فقهی فوق دانسته میشود که حق رجوع در جریان عت طلاق رجعی حق مسلم و مشروع شوهر است؛ اما اگر بخوهد با استفاده ازین حق خویش با تطویل و درازا کشانیدن عت، زن را سرگردان و متضرر سازد، چنین تصرف سوء برایش مجاز نبوده بلکه حرام و نوعی از ظلم خانوادگی محسوب میشود. چنانچه آیه {ومن يفعل ذلك فقد ظلم نفسه} بیان گرهمین معناست.

شیخ شعراوی رحمه الله در ذیل آیه {ولا تُمْسِكُوهُنَّ ضَرَارًا لْتَعْتَدُوا} مینویسد: ومعنى الضرار أنك تصنع شيئاً في ظاهره أنك تريد الخير وفي الباطن تريد الشر. ولذلك أطلق اللفظ على «مسجد الضرار» فظاهر بنائه أنه مسجد بني للصلاة فيه، وفي الباطن كان الهدف منه هو الكفر والتفريق بين المؤمنين. وكذلك الضرار في الزواج؛ يقول الرجل أنا لا أريد طلاقها وسأعيدها لبيتها، يقول ذلك ويبيت في نفسه أن يعيدها ليدلها وينتقم منها، وذلك لا يقره الإسلام؛ بل وينهى عنه. (15: 1000) . معنای ضرار ممنوعه در آیت اینست که کاری را انجام دهی که به ظاهرش چنین معلوم شود که نیت خیرداری؛ اما در باطن کاری زشتی را پلان کرده باشی، از همین جهت است که در قرآن کریم، اسم ضرار بالای مسجدی گذاشته شده که از ظاهرش معلوم میشود برای خواندن نماز تاسیس شده باشد؛ اما در باطن به منظور کفر و نفاق افگنی بین مسلمین تاسیس شده بود. این چنین است ضرار در ازواج بگونه ای که مرد به زبان و ظاهر حال میگوید من اراده طلاق وی را ندارم و میخواهم او را به خانه اش بازگردانم؛ اما در ضمیرش چنین پلان دارد که او را با این کار ذلیل گردانیده و از وی انتقام بگیرد، ولی هیچگاهی اسلام چنین کاری را تایید نکرده بلکه از او نهی میکند.

یکی از دلایل دیگری که حرمت سوء استفاده از حق را درین زمینه بیان میکند، آیتی است که در سوره بقره آمده است چنانچه الله تعالی میفرماید: {وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرِذْهَنْ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا} (1: بقره : 228) . ترجمه: و شوهران آنان برای برگرداندنشان (به زندگی زناشویی و از سرگرفتن آن) در این (مدت عده ، از دیگران) سزاوارترند ، در صورتی که (شوهران به راستی) خواهان اصلاح باشند. در تفسیر شعراوی در ذیل همین آیت آمده است: إن من حق الزوج أن يرد زوجته رداً شرعياً للعفة من الإحصان ولغرض الزوجية لا لشيء آخر، أما غير ذلك كالإضرار بها والانتقام منها فلا يجيز له الدين ذلك. از جمله حقوق زوج در جریان عت اینست که خانم خود را بمنظور پاکدامنی و اهداف خانوادگی مطابق شریعت بازگرداند، نه به

اشکال دیگر؛ اما اگر این بازگردانی به اهداف چون ضرررسانی و انتقام جوی باشد، پس شریعت برایش اجازه نمیدهد.

بلی این آیت مبارکه بصراحت این را میرساند که وقتی شوهر در جریان عدت از عمق قلب خواهان از سرگیری زندگی خانوادگی با همسر مطلقه رجعی خویش باشد، بدون شک نسبت به دیگران سزاوارتر و حق دارتر است؛ ولی مشروط به اینکه نیت اصلاح را داشته باشد؛ اما اگر نیتش چیزی دیگری باشد، و بخواهد با استفاده ازین حق شرعی خود به جانب مقابل ضرری وارد کند، برایش جواز نداشته بلکه سوء استفاده از حق بوده و حرام می باشد؛ زیرا سزاوار بودن شوهر به نسبت دیگران را درین صورت مشروط به این شرط دانسته که {ان ارادوا صلاحاً} پس مفهوم مخالف این است اگر نیت اصلاح را نداشته باشند، سزاوارتر از دیگران نبوده بلکه اصرارش به رجوع نوعی سوء استفاده از حق درین زمینه می باشد.

2- سوء استفاده از حق شیردادن و نفقه: خداوند

متعال با در نظر داشت حکمت بالغه خویش و چگونگی ظرفیت های متفاوت روحی، عقلی فردی و اجتماعی مرد وزن، وظایف و مکلفیت های خانوادگی را بگونه ای در بین ایشان تقسیم و هر یک را در سهم گیری مسؤلیت های خطیر خانوادگی بشکل توظیف نموده است که هر انسان عاقل و بالغ میتواند منطق این گزینش را بخوبی درک کند. به همین ترتیب وظیفه تامین معیشت و نفقه را نسبت داشتن ظرفیت قوی تر، بدوش مرد و وظیفه مهم و اساسی شیردهی، تربیت و نوازش طفل را نسبت داشتن عاطفه بالا و سلیقه زیبا برای زنان سپرده است که هرگز یکی وظیفه دیگری را به وجه احسن انجام داده نمی تواند.

ولی گاهی مرد وزن ازین حق مسلم و منحصر به نوع خویش، سوء استفاده نموده و در حق یگدیگر ظلم و ستمی را روا میدارند که هرگز در شریعت اسلامی مجاز نبوده بلکه اجحاف و ظلم خانمانسوز در حق خانواده میباشد.

خداوند متعال درین زمینه میفرماید: { وَالْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْفِقَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ وَلا بَوْلِدٌ لَهَا بِرِزْقِهَا } (1: بقره: 233).

ترجمه: مادران (اعم از مطلقه و غیرمطلقه) دو سال تمام فرزندان خود را شیر می دهند ، هرگاه یکی از والدین یا هر دوی ایشان خواستار تکمیل دوران شیرخوارگی شوند ، بر آن کس که فرزند برای او متولد شده (یعنی پدر) لازم است خوراک و پوشاک مادران را (در آن مدت به اندازه توانائی) به گونه شایسته بپردازد . هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانائی خود نیست ، نه مادر به خاطر فرزندش ، و نه پدر به سبب بچه اش باید زیان ببیند.

وجه دلالت: اولاً ازین آیت مبارکه این موضوع دانسته میشود که وظیفه تهیه نمودن نفقه و لباس بدوش پدر و وظیفه شیردادن طفل بدوش مادر است. دومین مسله که ازین آیت دانسته میشود و منظور ما هم است، اینست که درین باره نباید هیچ یک از پدر و مادر از حق خود در مقابل یکدیگر سوء استفاده نموده و طرف

مقابل را متضرر کند. علامه شعراوی رحمه الله در ذیل آیه { لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ وَلا بَوْلِدٌ لَهَا بِرِزْقِهَا } مینویسد: ولا زال الحق يُذَكِّرُ الأبَّ بأن المولود له هو، وعليه ألا يضر والدته الطفل بمنع الإنفاق على ابنه، وألا يتركها تتكفف الناس من أجل رزقه وكسوته، وفي الوقت نفسه يُذَكِّرُ الأم: لا تجعل رضيعك مصدر إضرار لأبيه بكثرة الإلحاح في طلب الرزق والكسوة. " (15: 1006). خداوند متعال همیشه پدر را یاد دهانی میکند که فرزند در واقع از دست و بروی لازم است تا مادر طفل را با عدم انفاق بر فرزندش متضرر و مجبور نسازد تا بمنظور تهیه نفقه و لباس فرزندش از مردم سوال کند. و همچنان مادر طفل را نیز توصیه میکند تا فرزندش را وسیله طلب و اصرار بی مورد نفقه و لباس در مقابل شوهرش قرار ندهد. از تفسیر و تحلیل علامه شعراوی بخوبی حرمت و غیر شرعی بودن سوء استفاده از حق شیردهی مادر و انفاق پدر دانسته میشود.

در قانون مدنی آمده است: هرگاه شخصی مکلف به پرداخت اجرت حضانت، معسر بوده و یکی از محارم حضانت را بدون اجرت به عهده گیرد، حاضنه مخیر است که حضانت را بدون اجرت بعهده گرفته و یا او را به متبرع واگذار شود. (8: ماده 246). از صراحت این ماده هم دانسته میشود که مادر نمیتواند در چنین حالت از اعسار همسر سوء استفاده نموده و اصرار به اخذ اجرت نماید.

3- سوء استفاده از حق تعدد ازواج: در شریعت

اسلامی برای یک مرد به منظور تامین نیازهای انسانی در صورت ضرورت تا چهار زن در یک وقت واحد اجازه داده شده است که بیان حکمت و فلسفه آن از حوصله این مقاله بالا تراست، به هر صورت قطع نظر از اینکه آیا اصل در ازواج بر تعدد است و یا تک همسری و عدم تعدد؟ بحث ما اینست که آیا به فرض اصل بر تعدد بودن، اکثریت قاطع ازواج ها در صورت تعدد، مطابق شرایط پیشبینی شده در شریعت اسلامی صورت میگیرد و یا اینکه درین راستا ازین حق شرعی مشروط به شرط، بیشتر استفاده ابزاری میشود، بلی پاسخ دقیق این سوال اینست که متاسفانه اکثریت کسانی که از حق تعدد استفاده میکنند، تمام موازین شرعی و اخلاقی و حتی اجتماعی و خانوادگی را زیر سوال برده ، مصداق و مخاطب توأم با عتاب آیه مبارکه { ولا تذروها كالمعلقة } قرار میگیرند. پس لازم است تا این موضوع بصورت درست مورد کاوش علمی قرار گرفته و فلسفه وجودی این حق را بصورت علمی بازتاب داده شود، تا احکام شرعی بدست هر انسان لاج با زوهارا پرست به بازی گرفته نشود، و از همین جاست که در قرآن کریم همین سوء استفاده های خانوادگی را به استهزا و تمسخر به دین تعبیر کرده است چنانچه در مورد کسانی که از حق طلاق استفاده ی نادرست میکنند، چنین میفرماید: { وَاِذَا تَوَلَّوْاْ اَيَّاتِ اللّٰهِ هُزُوًا } ترجمه: آیه های (احکام و حدود) خدا را به باد استهزاء نگیرید.

خداوند متعال در مورد تعدد ازواج میفرماید: { وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعْلُوا } (1: نساء: 3).

3. سومین شرط اینست که امکان درحد توان تامین عدالت بین زوجات را داشته باشد. (13: 236).

ازبلاى شروط ياد شده معلوم ميشود كه مخالفت شرط اول تعدى وتجاوزبه احكام شريعت اسلامى وخلاف ورزى ازدوشروط اخيرالذكرسوء استفاده ازحق تعدد ازواج مى باشد. علامه شعراوى رحمه الله درذيل تفسيرهمين آيت مينويسد: ولكن إذا أخذت الحكم، فخذ الحكم من كل جوانبه، فلا تأخذ الحكم، بإباحة التعدد ثم تكف عن الحكم بالعدالة، وإلا سينشأ الفساد في الأرض، وأول هذا الفساد أن يتشكك الناس في حكم الله. ولكن هرگاه حكمتى را گرفته وبرآن عمل كردى، بايد به تمام جوانب آن عمل كنى نه اينكه مثلاً به تعدد ازواج عمل كنى؛ اما عمل به عدالت را كنارگذارى درغيرآن، اين كارسبب ايجاد فساد درروى زمين ميگردد، واولين فساد اينست كه درعقيده مردم راجع به احكام خداوند(ج) شك وترديد ايجاد ميشود. درجاي ديگرى ميفرمايد: لأن أي انحراف في فرد من أفراد الأمة الإسلامية يصيب المجموع بضرر" زيرا هر نوع انحرافى كه از يك فرد مسلمان سرميزند، زيان وضررش به تمام امت اسلامى ميرسد. درجاي ديگرى خيلى زيبا تعبيركرده است كه ميگويد: فكل إنسان مسلم على ثغرة من ثغرات دين الله تعالى فعليه أن يصون أقواله وأفعاله وحركاته وسكناته من أي انحراف أو شطط؛ لأن كل مسلم بحرركته ويتصرفه يقف على ثغرة من منهج الله، ولا تظنوا أن الثغرات فقط هي الشيء الذي يدخل منه أعداء الله على الأرض كالثغور، لا، الثغرة هي الفجوة حتى في القيم يدخل منها خصم الإسلام لينال من الإسلام. (15: 2002-2004).

پس هرآنسان مسلمان دريكى ازمرزهاى اسلام قرارداد و بروى لازم است تا تمام اقوال، افعال، حرکات وسكنات خود را ازهرنوع كجروى وخلاف ورزى كنترول نمايد؛ زيرا هرآنسان مسلمان با حرکات وتصرفات خود درمرزازمرزهاى منهج وقانون خدا قرارداد. گمان نكنيد كه تنها مرزوبندراسلام همان چيزى ظاهرى است كه دشمن ازطريق آن وارد سرزمين اسلامى ميگردد؛ بلكه مرزواقعى كه با لوسيله آن دشمن اسلام وارد خاك وسرزمين اسلامى شده وآن را هدف قراردادده وتاراج ميكند، همانا شكاف وخلاى درارزشهاى دينى است.

درقانون مدنى افغانستان راجع به اينكه دركدام صورت وتحت كدام شرايط تعدد ازواج جوازدارد چنين تصريح شده است: ازواج به بيش ازيك زن بعد ازتحقق حالات آتى صورت گرفته مى تواند

1. درحالتى كه خوف عدم عدالت بين زوجات موجود نباشد.
2. درحالتى كه شخص كفايت مالى براى تأمين نفقه زوجات ازقبيل غذا، لباس، مسكن وتداوى مناسب را دارا باشد.
3. درحالتى كه مصلحت مشروع، مانند عقيم بودن زوجه اولى ويا مصاب بودن وى به امراض صعب العلاج، موجود باشد. (8: ماده 86).

بنابراين تعدد ازواج درشريعت اسلامى وقانون مدنى يك امرمباح بوده كه مقيد

ترجمه: و اگر ترسيديد كه درباره يتيمان نتوانيد دادگري كنيد (و دچار گناه بزرگ شويد ، از اين هم بترسيد كه نتوانيد بين زنان متعدّد خود دادگري كنيد و از اين بابت هم دچار گناه بزرگ شويد. ولي وقتى كه به خود اطمينان داشتيد كه مى توانيد بين زنان دادگري كنيد و شرائط و ظروف خاصّ تعدّد ازواج مهيا بود) با زنان ديگرى كه براى شما حلالند و دوست داريد ، با دو يا سه يا چهار تا ازواج كنيد . اگر هم مى ترسيد كه نتوانيد بين زنان دادگري را مراعات داريد ، به يك زن اكتفاء كنيد يا با كنيزان خود (كه هزينه كمترى و تكلفات سيكتري دارند) ازواج نمائيد . اين (كار ، يعنى اكتفاء به يك زن ، يا ازواج با كنيزان) سبب مى شود كه كمتر دچار كجروى و ستم شويد و فرزندان كمترى داشته باشيد .

ازين آيت مبارك بخوبى معلوم ميشود كه اگر ازواج با بيشترازيك زن مطابق شرايط پيشيبنى شده درشريعت اسلامى نباشد، يقيناً انحراف وكجروى دردين بوده ومستقيماً معنای سوء استفاده ازحق را ميرساند.

ابن حجررحمه الله درتفسيرعدالت بين زوجات ميگويد: " المراد بالعدل: التسوية بينهن بما يليق بكل منهن، فإذا وفى لكل واحدة منهن كسوتها ونفقتها والإيواء إليها، لم يضره ما زاد على ذلك من ميل قلب، أو تبرع بتحفة " (13: 192) . منظورازعدالت دربين زوجات برابرى بين آنها به آنچه مناسب هريكى ازآنها است مى باشد، هرگاه مايحتاج زندگى هريك را ازلباس ونفقه وديد واديد وغيره را به وجه احسن انجام دهد، مازاد برآن ازميلان قلبى وبخشش بگونه اى تحفه به يكى بدون ديگرضررواشكالى ندارد. ابن قدامه رحمه الله درمغنى آورده است: "وليس عليه التسوية بين نسائه في النفقة والكسوة إذا قام بالواجب لكل واحدة منهن. (3: 32) . وبرابرى درنفقه ولباس بين زوجات بالای شوهرلازم نيست مشروط براینكه ضروريات اولی هريك را تأمين کرده باشد.

سوال مهم درين جا اينست كه چرا بيشترايات متعلق به موضوع تعدد ازواج ازسوى مغرضين ومنكرين مورد نقد وكنكاش بيجا قرارميگيرد؟ آيا علتش درعدم اتقان احكام شرعى وتبهي بودن آنها ازمنطق، مقاصد ومصالح زندگى انسان است؟ ويا اينكه علت اساسى اش همان انحراف، كجروى وتصرفات سوء مسلمانانى است كه اعمال، اقوال وتصرفات خود را بروفق شريعت اسلامى برابرزنى سازند، وازهمين مجرا زمينه اعتراض وپاوه سراى براى دشمنان دين مساعد ميگردد. بلى دقيقاً همين ناهموارى ها وناهنجارى هاى مسلمانان نامسلمان است كه ارزشهاى دينى رامورد تاخت وتازدشمنان دين قرارميدهد.

شروط تعدد ازواج: تعدد ازواج درشريعت اسلامى قسميكه قبلاً عرض شد درصورت ضرورت يك امرمباح بوده ومقيد به يك سلسله شروطى مى باشد كه ذيلاً بيان ميگردد.

1. 1- شرط اول اينست كه تعداد ازواج ازچهاربالا نباشد.
2. 2- شرط دوم اينست كه استطاعت وتوانمندى پرداخت نفقه تمام زوجات را داشته باشد.

به شروط یاد شده می باشد. وهرگاه شخصی برخلاف شروط یاد شده ازواج کند، درموردش ماده بعدی چنین فیصله نموده است.
 ماده 88: زنی که شوهر وی برخلاف حکم ماده (86) این قانون ازواج نموده باشد، میتواند مطابق به احکام مندرج ماده (183) این قانون، براساس تفریق به سبب ضررازمحکمه مطالبه طلاق نماید.

4. **سوء استفاده ازحق وصیت:** بدون شک خداوند متعال مصالح زندگی انسان را بگونه ای درنظرگرفته و مشروع گردانیده است که هم درجریان حیات وهم درآخرین لحظات زندگی، انسان بتواند به بهترین وجه ازآن مستفید شود. یکی ازاین موارد هم موضوع وصیت است که انسان حق دارد تا بمنظورتلافی ازنا رسایی های مسولیت های عبادی خود درگذشته وهمچنان برای اطمینان ازخطرات مواجه شدن به فقروتنگدستی آینده خویش، و برای سد حاجات فقرا ومساکین وبرقراری وتحقق صله رحم دربین خویشاوندان، دست به یک سلسله تصرفاتی منسوب به بعد ازمرگ خویش بزند که دراصطلاح فقه اسلامی بنام وصیت یاد میشود. (9 : 7443).

ولی گاهی برخی ازانسانها عمداً ویا ازروی جهالت ازین حق شرعی وقانونی خود استفاده نادرست کرده ودرمخالفت با مقاصد ومصالح شرع قرارگرفته وبدین وسیله حقوق دیگران را پایمال نموده ونادیده میگیرند.

خداوند متعال درین مورد میفرماید: {مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ ذَيْنَ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ خَلِيمٌ} (1: نساء: 12)
 ترجمه: البته این هم (پس از انجام وصیته است که بدان توصیه شده است و یا پرداخت وامی است که بر عهده مرده است . وصیت و وامی که (به بازماندگان) زیان نرساند) یعنی وصیت از بیش از یک سوم نباشد و مرده از روی غرض اقرار به وامی نکند که بر عهده او نیست ، و یا صرف نظر از وامی نکند که بر دیگران دارد) . این سفارش خدا است و خدا دانا (به آن چیزی است که به نفع شما است و آگاه از نیات وصیت کنندگان می باشد) و شکیب است (و شتابی در عقاب شما ندارد ؛ چرا که چه بسا پشیمان شوید و به سویی برگردید) .

درتفسیرهمین آیت آمده است: "وعندما يقول: {غَيْرَ مُضَارٍّ} لابد أن نعرف جيدا أن شرع الله لن يضر أحدا، وما المقصود بذلك؟ المقصود به الموصي، ففي بعض الأحيان يكون المورث كارها لبعض المستحقين لحقهم في ميراثه، فيأتي ليوصي بمنع توريثهم أو تقليل الأنصبة، أو يأتي لواحد بعيد يرید أن يعطيه شيئا من الميراث ولا يعطي لمن يكرهه من أهله وأقاربه المستحقين في ميراثه، فيقرر لذلك الإنسان بدین، فإذا ما أقر له بدین حتی وإن كان مستغرقا للتركة كلها، فهو يأخذ الدين وبذلك يترك الورثة بلا ميراث". (15 : 2033)

ودرهنگامیکه خداوند(ج) میفرماید: {غَيْرَ مُضَارٍّ} باید بهتر بدانیم که شریعت الهی نیامده تا به کسی ضرر برساند، پس منظور از آن چیست؟ بلی مقصود از آن شخص وصیت کننده است، در بعض مواقع مورث نخواهد و خوش ندارد

برخی از مستحقین وخویشاوندان ازوی چیزی را به میراث برند، پس میخواهد با استفاده ازحق وصیت سهم ورثه را به دیگران وصیت کند ویا سهم آنها را کم کند، ویا با ادعای غلط چنان وانمود میسازد که ازفلان کس مدیون است وباید مال را به وی تسلیم دهد حتی اگر دین تمام ترکه راهم دربرگیرد.که به این ترتیب درحق ورثه خیانت وظلم کرده ایشان را از میراث محروم میکند.پس وصیت هم یکی از موارد کثیرالوقوعی است که مردم گاه وناگاه با سوء استفاده ازآن حقوق دیگران را ضایع میسازند.ودرین مورد احادیث زیادی ازپیامبرصلی الله علیه آمده است که ازحقوق ورثه حمایت نموده وموصی را ازاضراردروصیت منع میکند، ازجمله احادیث ذیل قابل استشهاد است.

1- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّهُ حَدَّثَهُ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ وَالْمَرْأَةُ بِيَطَاعَةِ اللَّهِ سِتِّينَ سَنَةً ثُمَّ يَخْضُرُهَا الْمَوْتُ فَيُضَارُّانِ فِي الْوَصِيَّةِ فَتَجِبُ لَهُمَا النَّارُ، ثُمَّ قَرَأَ عَلَيَّ أَبُو هُرَيْرَةَ: {مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ ذَيْنَ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ}، إِلَى قَوْلِهِ، {ذَلِكَ الْقَوْرُ الْعَظِيمُ}. (16 : 502).

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: مرد وزنی خداوند (ج) را سست سال پرستش میکنند، سپس هنگامیکه در وقتیک مرگ به سراغش بیاید، در وصیت خویش به ورثه ضرر میرسانند، و دروازه های جهنم بروی شان باز میشود. سپس ابوهریره آیت مبارکه {من بعد وصية الخ } را تا قسمت ذالک الفوز العظیم { به غرض استشهاد تلاوت کردند.

2- "عن سعد بن أبي وقاص رضي الله عنه، قال: جاء النبي صلى الله عليه وسلم يعودني وأنا بمكة، وهو يكره أن يموت بالأرض التي هاجر منها، قال: «يرحم الله ابن عفرأ»، قلت: يا رسول الله، أوصي بمالي كله؟ قال: «لا»، قلت: فالشطر، قال: «لا»، قلت: الثلث، قال: «فالثلث، والثلث كثير، إنك أن تدع ورثتك أغنياء خير من أن تدعهم عالة يتكفون الناس في أبيديهم، وإنك مهما أنفقت من نفقة، فإنها صدقة، حتى اللقمة التي ترفعها إلى في امرأتك، وعسى الله أن يرفعك، فينتفع بك ناس ويضر بك آخرون»، ولم يكن له يومئذ إلا ابنة"

ترجمه: ازسعد ابن ابی وقاص رضی الله عنه روایت است که میگوید: پیامبرصلی الله علیه وسلم در زمانی که درمکه بودم به عبادت من تشریف آوردند، وایشان نمی پسندیدند که کسی اززمینکه هجرت نموده (مکه) در آنجا وفات کند، سپس فرمودند: خداوند ابن عفرأ را بیامرزد، گفتنم یا رسول الله آیا میتوانم تمام دارای ام را وصیت کنم؟ فرمودند: نخیر گفتم آیا نصف آن را ؟ فرمود: نخیر، گفتم پس یک برسه آن را چطور؟ فرمودند: بلی یک برسه را وهمین یکی برسه زیاد است؛ ازینکه ورثه خود را درحالی وداع کنی که خود کفا وغنی باشند، بهتر است ازینکه ایشان را درحال فقروتنگدستی ترک کنی که دست به گدایی زده وازمردم سوال کنند.وتو به هراندازه که به خانواده خود انفاق کنی، همه ای آن درحکم صدقه است؛ حتی لقمه نانی را که دردهن همسرت میگذاری هم خالی ازاجر نیست وشاید خداوند(ج) تو را

فهرست منابع

1. قرآن کریم .
 2. ابن حزم، أبو محمد علي بن أحمد بن سعيد بن حزم الأندلسي القرطبي الظاهري (المتوفى: 456هـ) المحلي بالاثار، جلد سوم. الناشر: دار الفكر - بيروت. ب.ت.
 3. ابن قدامة، أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة الجماعيلي المقدسي ثم الدمشقي الحنبلي الشهير بابن قدامة المقدسي (المتوفى: 620هـ) المغني، الناشر: مكتبة القاهرة. ب.ت.
 4. بهرامی ، حمید بهرامی احمدی، ضمان قهری، انتشارات دانشگاه امام صادق، تهران. ب.ت.
 5. برهان الدین، أبو المعالي برهان الدين محمود بن أحمد بن عبد العزيز بن عمر بن مازة البخاري الحنفي (المتوفى: 616هـ). المحيط البرهاني في الفقه النعماني. الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، 1424 هـ - 2004 م
 6. بخاری، محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخاري الجعفي، صحيح البخاري. الناشر: دار طوق النجاة.
 7. الدرینی، دكتورفتحي، نظرية التعسف في استعمال الحق في الفقه الاسلامي ناشر: مؤسسة الرسالة. ب.ت.
 8. وزارت عدليه، قانون مدني افغانستان، انتشارات قدس. زمستان سال 1384 هـ.
 9. زحيلي، وهبة بن مصطفى الزُّحَيْلِي، الفقه الاسلامي وادلته. الناشر: دار الفكر - سورية - دمشق. ب.ت.
 10. حيدر، علي حيدر، خواجه أمين أفندي (المتوفى: 1353هـ) دررالحكام شرح مجلة الاحكام. الناشر: دار الجيل 1314هـ.
 11. طبری، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملي، أبو جعفر الطبري (المتوفى: 310هـ) جامع البيان في تأويل القرآن.
 12. الكاساني، علاء الدين، أبو بكر بن مسعود بن أحمد الكاساني الحنفي (المتوفى: 587هـ) ت، بدايع الصنایع بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع. الناشر: دار الكتب العلمية. ب.ت.
 13. العسقلاني احمد ابن علي بن حجر أبو الفضل الشافعي، فتح الباری شرح صحيح البخاري، الناشر: دار المعرفة - بيروت، 1379.
 14. الرئاسة العامة لإدارات البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد. مجلة البحوث العلمية. مكتبة شاملة.
 15. شاطبي، إبراهيم بن موسى بن محمد اللخمي الغرناطي الشهير بالشاطبي (المتوفى: 790هـ)، الموافقات، جلد سوم. الناشر: دار ابن عفان، الطبعة: الأولى 1417هـ/ 1997م
 16. شعراوی، محمد متولي الشعراوي (المتوفى: 1418هـ). تفسير الشعراوي - الخواطر. الناشر: مطابع أخبار اليوم. ب.ت.
 17. الترمذی، محمد بن عيسى بن سؤرة بن موسى بن الضحاک، الترمذی، أبو عيسى (المتوفى: 279هـ)، سنن الترمذی، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت. ب.ت.
- بمیراند، پس کسانی ازتومستفید شده وکسانی هم متضررگردند.
- نتیجه گیری**
- ازلابلای بحث و تحقیق پیرامون موضوع مطروحه به یک سلسله نتایجی ارزنده و مهمی دست یافتیم که خوب است درذیل به برخی از آنها اشاره کنیم.
1. 1- سوء استفاده ازحق با آنکه به این نام بظاهریک موضوع جدید معلوم میشود؛ اما قسمیکه بیان کردیم، درقرآن کریم، سنت پیامبرصلی الله علیه وسلم ونظریات دانشمندان اسلامی همواره درذیل وضمن عناوین چون تعدی، تجاوز، حیل، ضرر، ظلم و استبداد، حرام و غیره مورد نکوهش شدید وجدی قرارگرفته است.
 2. گرچه بیشترین مصادق و موارد سوء استفاده ازحق درحقوق جواروهمسایگی به مشاهده میرسد؛ اما درموارد بیشماری ازجمله حوزه خانواده هم، میتوان این موضوع را متبلورکرده و مکشوف ساخت.
 3. گرچه درسابق سوء استفاده ازحق را ازینکه درذیل بحث تعدی و تجاوزمطالعه میکردند، با تعدی یکی میدانستند؛ ولی تحقیق دانشمندان معاصر نشان میدهد که این دو درموارد زیادی ازیکدیگرفرق دارند. ازجمله اینکه تعدی درجای واقع میشود که یک فعل اساساً غیرمشروع باشد؛ اما سوء استفاده ازحق درجای واقع میشود که یک کاری دراصل مجاز بوده ولی نسبت تصرف خلاف قانون و انحراف از مقصد شرع، حرام و ناجایز تلقی میشود.
 4. قسمی که قبلاً هم اشاره نمودیم، سوء استفاده ازحق اکثراً و بیشتر درحوزه حقوق عینی، مصادق پیدا میکند؛ اما درحوزه حقوق فامیل و خانواده هم، موارد زیادی وجود دارد که مورد تصرفات سوء ازجانب زوجین، پدر، مادر و غیره قرارمیکگیرد.
 5. 5- برای سوء استفاده ازحق دومعیاری اساسی وجود دارد که یکی معیارذاتی و دیگری معیارموضوعی می باشد.
 6. گرچه شاید درحوزه حقوق فامیل و خانواده هم موارد بیشماری وجود داشته باشد که ممکن درآن ها سوء استفاده ازحق صورت گیرد؛ اما موارد مهم آن که درین مقاله مورد پژوهش قرارگرفته فقط چهارمورد میباشد که عبارت اند ازسوء استفاده ازحق طلاق، سوء استفاده ازحق شیردادن و نفقه، سوء استفاده ازحق تعدد ازواج و سوء استفاده ازحق وصیت.
 7. همیشه سوالات و اعتراضاتی که از آدرس های مختلف به اسلام وارد میشود، علتش بازیکه قراردادن ارزشهای دینی توسط یک تعداد انسان های هوس بازو قانون شکن می باشد.
 8. یکی ازموارد مهم و اساسی که هم موضوع مالی و هم موضوع خانوادگی است، موضوع وصیت می باشد که متأسفانه درین حق شرعی وقانونی هم اکثریت مردم یا عمداً و یا ازروی جهالت مرتکب سوء استفاده ازحق میشوند.
 9. ونتیجه نهایی که ازین بحث گرفتیم اینست که سوء استفاده ازحق درحوزه خانواده خیلی گسترده و پیچیده است که هرکدام آن به تنهای گنجایش یک مقاله را دارد.